

# پایان ترامپ بر عصر تجارت آزاد



معناست که سایر کشورها در تولید کالا‌های مد نظر مصرف‌کنندگان آمریکایی، کارآمد هستند و به همین دلیل بیشتر آمریکایی‌ها از دیگر کشورها خرید می‌کنند. با این حال، ترامپ معتقد است هر کشوری که مازاد تجارت دو جانبه با ایالات متحده داشته باشد، تلف می‌کند و برای یکسان کردن به تعرفه‌های متقابل نیاز است. ترامپ برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه تعرفه‌هایی وضع کند، ظاهراً تمام راه‌های ممکن را که کشورها در آن تلف می‌کنند، از جمله از طریق تعرفه‌ها، موانع غیر تعرفه‌ای و دستکاری ارز محاسبه کرد. تخمین زده شد، در عمل، این به معنای تقسیم کسری تجاری ایالات متحده با یک کشور بر مقدار کالا‌هایی بود که به آمریکا صادر می‌کرد. (بر محاسبات و راحتی تجارت خدماتی مانند گردشگری، آموزش و خدمات تجاری را که در آن ایالات متحده با بیشتر شرکای تجاری خود مازاد دارد، حذف می‌کند، بر همین اساس، ترامپ به هر کشور تخفیف ۵۰ درصدی داد و تعرفه‌های متقابلی را بر واردات کالاها معادل نیمی از این میزان اعمال کرد.

■ **کشورهای دیگر متخلفند**

برای اینکه ببینید این روند در عمل چگونه کار می‌کند، به چین نگاه کنید. در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده با این کشور ۲۹۵/۴ میلیارد دلار کسری تجاری داشت و ۴۳۸/۹ میلیارد دلار کالا‌های چینی وارد کرد. بنابراین ترامپ

## حمله بزرگ به تجارت آزاد فرائلانتیک



اوکرین خواهد بود.

■ **گزینه‌های اروپا برای مقابله**

در مقابل این اقدام ترامپ، اتحادیه اروپا سه

گزینه را پیش‌روی خود دید:

۱- در اقدام نخست که در یک پژوهش توسط پارلمان اروپا در مارس ۲۰۲۵ انجام شد، پیشنهاد شده است هیچ پاسخ تلافی‌جویانه‌ای به این اقدام داده نشود. در قالب این اقدام، ایالات متحده هزینه‌های وارداتی از آمریکا اعمال نماید و به تسلید و انکسار علیه فشارهای اقتصادی خارجی بپردازد. در این میان، گزینه اول همانا تسلیح اروپا در مقابل فشارهای آمریکای ترامپ است که واشینگتن را به سمت گرفتن امتیازات جدید سوق می‌دهد. گزینه دوم ضعف اتحادیه را نشان می‌دهد که در صورت اقدام، ترامپ را تسویق به تشدید تنش خواهد کرد. ذیل نیز اتحادیه اروپا گزینه سوم را انتخاب کرده است. کمیسیون اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده سیاست تجاری اتحادیه اعلام کرده است یک جبهه متحد در برابر تعرفه‌ها تشکیل می‌دهد

مشارکت‌های کشورهای دیگر به سیاست‌های مقابله‌ای دولت جدید آمریکا می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی اتحادیه اروپا شود و بانک مرکزی اروپا پیش‌بینی‌های صادراتی خالص سال ۲۰۲۵ را کاهش داده است

معارضه‌ها در کشورهای اروپای شرقی و اروپای مرکزی کمتر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. در حوزه تأثیرات غیرمستقیم، تعرفه‌ها بر اروپا منجر به صادرات کمتری بر اروپا تأثیر منفی خواهد داشت، اما با آمریکا و عدم اطمینان بیشتر منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش دستمزدها خواهد شد. البته اثرات منفی آن که از سال ۲۰۲۶ به بعد بیشتر مشخص خواهد شد، پیش از همه کاهش اشتغال در اروپاست. شرکت‌های اروپایی نیز به دنبال بازارهای جایگزین خواهند بود. در عین حال هر چند این سیاست به‌طور کلی بر اروپا تأثیر منفی خواهد داشت، اما برآوردها نشان می‌دهد اثر شوک مورد انتظار این تعرفه‌ها کمتر از افزایش قیمت ناشی از کرون‌ا و افزایش قیمت انرژی بعد از جنگ

ترامپ به جای اصلاح قوانینی که برخی شرکای تجاری آمریکا از آن استفاده کردند، تصمیم گرفت کل این سساز و کار را منفجر کند و با وجود برخی پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه بعید است او بار دیگر به عصر تجارت آزاد بازگردد

نخست، تلافی را در نظر بگیرد. چندین کشور که شهروندان آنها هم خشمگین هستند، قبلاً قول داده‌اند در پاسخ به تحرکات ترامپ، بر کالا‌های ساخت آمریکا تعرفه اعمال کنند. مصرف‌کنندگان کانادایی محصولات ایالات متحده را تحریم و گردشگران سایر نقاط جهان احتمالاً از ایالات متحده دوری می‌کنند، اما انتقام‌جویی هزینه‌های خاص خود را دارد، زیرا عدم اطمینان در مورد تجارت جهانی را افزایش می‌دهد که به سرمایه‌گذاری تجاری آسیب می‌زند. مماشات با خطرات کمتری همراه است. تجارت دو جانبه را نمی‌توان یک شبه متعادل کرد، اما کشورها می‌توانند قول دهند که کالا‌های بیشتری از ایالات متحده بخرند و موانع این واردات را کاهش دهند. ترامپ، پیش از این تعرفه‌ها را بر اساس دلایل امنیتی ملی توجیه و از آنها به عنوان ابزاری برای محدود کردن مهاجرت غیرقانونی و ورود مواد مخدر غیرقانونی به کشورها استفاده کرد. شرکای تجاری ایالات متحده می‌توانند پیشنهاد دهند اقدامات جسورانه‌ای برای جلوگیری از رسیدن این بلا‌ها به سواحل آمریکا اتخاذ کنند. به هر حال ترامپ عاشق یک توافق است، بنابراین هر کشوری باید راه‌هایی بیابد تا به او امکان ادعای پیروزی را بدهد. کشورهای زنجیره‌های تأمین کارآمد و مقرون‌به‌صرفه بهره‌مند شده باشد، اکنون برای کاهش مواجهه با سیاست‌های تجاری و خطرهای ژئوپلیتیکی باید تعدیل شود. این امر به ناچار قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان افزایش می‌دهد، زیرا کسب و کارها به جای کارایی، انعطاف‌پذیری را در اولویت قرار می‌دهند. حتی محصولات کشاورزی، ماشین‌آلات و تجهیزات و کالا‌های فناوری پیشرفته صادراتی ایالات متحده تحت تأثیر تعرفه‌های تلافی‌جویانه شرکای تجاری واشینگتن قرار خواهند گرفت.

■ **عاملی مخرب در مسیر اقتصاد جهانی**
بقیه جهان همچنان به اظهارات ترامپ واکنش نشان می‌دهند، اما کشورها احتمالاً با تریبی از تلافی، مماشات و تنوع پاسخ خواهند داد. هر کدام از این رویکردها چالش‌هایی دارند،

## تازه‌اول جنگ بر سر جنگ با ایران است!

و مهم‌تر از همه پرهیز از درگیری تأکید کرد. اظهارات او منعکس‌کننده رویکردی مبتنی بر درکی روشن از منافع آمریکا و پویایی پیچیده منطقه بود.

مشکل این است که بسیاری از بلندترین صدهایی‌که سیاست ایران را شکل می‌دهند - در داخل و خارج از دولت - فعلاً در تلاش هستند تا هر مسیر واقع‌بینانه دیپلماسی را خراب کنند. آنها از خواستن یک «توافق» صحبت می‌کنند، اما چیزی که در واقع خواستار آن هستند تسلیم شدن ایران است: غنی‌سازی اورانیوم به صفر، برچیدن برنامه هسته‌ای آن، قطع روابط با همه متحدان منطقه‌ای خود و تغییر اساسی سیاست خارجی آن. دولت ایران - عملکرد یا تندرو - نمی‌تواند چنین شرایطی را بپذیرد. حتی سعود بز شکیان، رئیس‌جمهور تازه‌منتخب ایران که در نسکوی دیپلماسی و تعامل شرکت کرد، فضای سیاسی برای موافقت با این نوع اولتیماتوم نخواهد داشت.

بیابیم واضح بگویم: اگر برای چنین خواسته‌های حداکثری تحت پوشش از جنگ در اوکراین را طولانی‌تر کند و در برابر فشار ترامپ برای از سرگیری روابط ترانس آتلانتیک مقاومت کند. شرکای تجاری مانند مکزیک، کانادا، هند و دیگران می‌توانند از مشغله‌های آمریکا برای گرفتن امتیازات بی‌طرفانه استفاده کنند و یک حمله یکنبانه احتمالاً جامعه بین‌المللی را در هم خواهد شکست. روسیه و چین به رغم تردیدهای‌شان در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران به تجاوز آمریکا به عنوان تهدید واقعی اشاره می‌کنند که اعتبار آمریکا را در سازمان ملل و فراتر از آن تضعیف می‌کند.

خطرناک‌ترین پیامد چیست؟ یک حمله می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد - ایران را وادار کند دقیقاً همان کاری را که کند که ترامپ می‌گوید می‌خواهد جلوی آن را بگیرد؛ ساخت بمب. ایران الان در حال غنی‌سازی اورانیوم نزدیک به درجه تسلحیاتی است و اگر از بیعانه منع‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود، آخرین



خطر، یک «حمله پیشگیرانه» علیه ایران به طور بالقوه «موفق‌تر» از تلاش‌های گذشته آمریکاست.

حتی متحدان ترامپ نیز به احتیاط تأکید می‌کنند. برای مثال، معاون رئیس‌جمهور جسی دی ونس، اکتر بدگشته به درستی هشدار داد که منافع آمریکا گاهی از اسرائیل متمایز می‌شود» و به صراحت اعلام کرد اجتناب از جنگ با ایران به نفع ایالات متحده است. او هشدار داد چنین درگیری «بسیار پرهزینه» و «بحران‌فطیمی از منابع» خواهد بود. واقعیت این است که یک حمله در بهترین حالت ممکن است برنامه ایران را به تعویق بیندازد در حالی که احتمالاً جرقه یک جنگ منطقه‌ای می‌دهد، حتی نبروه‌های مست‌سلاح‌سازی سوق می‌دهد. حتی همان گزارش مؤسسه واشینگتن برای سیاست‌خاور می‌کند، خیلی آرام مقیاس آنچه را هم که در پی دارد تأیید می‌کند: «یک کمپین چندین و چندساله برای تنزل دادن توانایی‌های هسته‌ای ایران، تأثیرگذاری بر محاسبات اشاعه هسته‌ای با تاکر کارلسون، نماینده سیاسی و نظامی آن». به عبارت دیگر، این یک حمله سریع همراه با جراحی نخواهد بود، بلکه آغاز یک جنگ بی‌پایان دیگر در خاورمیانه خواهد بود. آنچه در حال حاضر مورد نیاز است، یک استراتژی عملکردیافته برای تنش زدایی و تعامل مجدد است. استراتژی که در ازای محدودیت‌های هسته‌ای قابل راستی‌آزمایی، مشوق‌های معتبری را به ایران ارائه می‌کند، اما نیازی به برچیدن کل برنمایش ندارد. رهبری ایران یک‌الگوی ثابت در برخورد با ایالات متحده نشان داده است: فشار بافشار پاسخ داده می‌شود. در حال حاضر

استراتژی عملگرایانه برای تنش زدایی و تعامل مجدد است. استراتژی که در ازای محدودیت‌های هسته‌ای قابل راستی‌آزمایی، مشوق‌های معتبری را به ایران ارائه می‌کند، اما نیازی به برچیدن کل برنمایش ندارد. رهبری ایران یک‌الگوی ثابت در برخورد با ایالات متحده نشان داده است: فشار بافشار پاسخ داده می‌شود. در حال حاضر مورد نیاز است، یک استراتژی عملگرایانه‌برای تنش زدایی و تعامل مجدد است. استراتژی که در ازای محدودیت‌های هسته‌ای قابل راستی‌آزمایی، مشوق‌های معتبری را به ایران ارائه می‌کند

■ **سینا توسی، ۲۸مارس ۲۰۲۵**
در هفته‌های اخیر، بسیاری از همان صداهای نومحافظه‌کار که ایالات متحده را به داخل عراق هل دادند، مطالبه حمله به ایران دارند. گروه‌هایی مانند دبایغ از دموکراسی‌ها و مؤسسه واشینگتن برای سیاست‌خاور نزدیک، بار دیگر تقابل را ترویج و ادعا می‌کنند ممکن است هرگز زمان بهتری برای اقدام وجود نداشته باشد. اما این یک توهم خطرناک است که خطر از بین بردن آنچه را دارد در خود دونالد ترامپ می‌گوید که می‌خواهد: یک توافق، نه جنگ فاجعه‌بار دیگری در خاورمیانه. جنگ با ایران فقط خطر یک درگیری بی‌پایان دیگر را نخود داشت، بلکه دستور کار گسترده‌تر ترامپ را در داخل و خارج از کشور منفرج می‌کند.

یک درگیری بزرگ، منابع و توجه ایالات متحده را از بین می‌برد، روسیه و چین به یک در اولویت‌های داخلی منحرف و اهرم فشار آمریکا را در هر جبهه‌ای تضعیف

می‌کند؛ چین، روسیه، اروپا و تجارت. اروپا می‌تواند این لحظه استفاده و حمایت از جنگ در اوکراین را طولانی‌تر کند و در برابر فشار ترامپ برای از سرگیری روابط ترانس آتلانتیک مقاومت کند. شرکای تجاری مانند مکزیک، کانادا، هند و دیگران می‌توانند از مشغله‌های آمریکا برای گرفتن امتیازات بی‌طرفانه استفاده کنند و یک حمله یکنبانه احتمالاً جامعه بین‌المللی را در هم خواهد شکست. روسیه و چین به رغم تردیدهای‌شان در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران به تجاوز آمریکا به عنوان تهدید واقعی اشاره می‌کنند که اعتبار آمریکا را در سازمان ملل و فراتر از آن تضعیف می‌کند.

خطرناک‌ترین پیامد چیست؟ یک حمله می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد - ایران را وادار کند دقیقاً همان کاری را که کند که ترامپ می‌گوید می‌خواهد جلوی آن را بگیرد؛ ساخت بمب. ایران الان در حال غنی‌سازی اورانیوم نزدیک به درجه تسلحیاتی است و اگر از بیعانه منع‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود، آخرین

رشته‌های نظارت بین‌المللی ناپدید می‌شود. یک حمله، احتمالاً حتی عناصر تندرو بیشتری را در ایران تقویت و توجیه سیاسی برای سرعت گرفتن به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای فراهم می‌کند.

ترامپ می‌تواند در تاریخ بماند، اما نه به عنوان رئیس‌جمهوری که بحران ایران را حل کرد، بلکه به عنوان کسی که تحت نظارت او ایران سرانجام به یک کشور دارای سلاح هسته‌ای تبدیل شد این میراثی نیست که او می‌خواهد، امیراثی که کشور می‌تواند از عهده آن بر آید.

ترامپ اخیراً را به صدا در آوردن هشدارها اعلام کرد: «به زودی اتفاقی برای ایران خواهد افتاد» اما او همچنین تصریح کرد: «میدوارم بتوانیم یک توافق صلح داشته باشیم». من از روی قدرت یا ضعف صحبت نمی‌کنم، فقط می‌گویم ترجیح می‌دهم یک توافق صلح را ببینم تا دیگری». اینها حرف یک جنگ طلب نیست. آنها سخنان یک مذاکره‌کننده هستند، کسی که هنوز ارزش دیپلماسی را می‌داند.

ترامپ تنها نیست. استیون ویتکاف، در مصاحبه اخیر با تاکر کارلسون، نماینده سیاست خارجی او دیدگاهی بسیار محدودتر از آنچه در دستگاه سیاست خارجی معمول است، در مورد ایران ارائه کرد. ویتکاف بر عمل‌گرایی، راستی‌آزمایی، احترام متقابل

■ **آنچه در حال حاضر مورد نیاز است**

یک استراتژی عملگرایانه برای تنش زدایی و تعامل مجدد است. استراتژی

که در ازای محدودیت‌های هسته‌ای قابل راستی‌آزمایی، مشوق‌های معتبری را به ایران ارائه می‌کند